

دکتر محمود خواجه میرزا
مدرس دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

سیری در آثار پزشکی غرناطه‌ی اسلامی

چکیده

فتح اندلس و هشت قرن حضور مسلمانان، دستاوردهای فرهنگی، علمی، اقتصادی، سیاسی بسیاری در برداشت. در میان این اندوخته‌ها، دانش پزشکی، دارای اهمیت بسیار است و مسلمانان در این زمینه، به پیشرفت‌های چشم‌گیری دست یافتند. حضور ۲۵۰ ساله‌ی مسلمانان در غرناطه‌ی اسلامی و تألیف چندین کتاب پیرامون پزشکی تخصصی، داروشناسی، جراحی، بیماری‌های داخلی، بیماری‌های واگیر و بهداشت عمومی و هم‌چنین بهره‌گیری پزشکان این دوره از تاریخ پزشکی گذشته‌ی اندلس و شرق جهان اسلام، بخشی از فعالیت ایشان در این زمینه است و این جستار بر آن نیست که دستاوردهای دقیق و تخصصی شپکی در در غرناطه مورد کاوش قرار دهد و در پی ردّ یا اثبات موضوعات مطرح شده در کتاب‌های پزشکی آن باشد، زیرا این چنین موضوعاتی در حیطه‌ی کار پزشکان و طبیبان متخصص می‌باشد. این پژوهش به سیری در آثار پزشکی غرناطه‌ی اسلامی می‌پردازد.

واژگان کلیدی:

اندلس، غرناطه، پزشکی تخصصی، آثار پزشکی.

مقدمه

نیمه‌ی اول قرن هفتم هـ.ق، در آستانه‌ی سقوط موحدان در اندلس و مراکش، دولتی نوپا در غرناطه به رهبری محمد بن یوسف بن نصر (۶۲۹-۶۷۱ ق) مشهور به ابن الاحمر در حال شکل گرفتن بود که سبب تداوم حضور مسلمانان در این نقطه از اندلس به مدت حدود دو و نیم قرن دیگر گردید و این دوام طولانی دلایلی داشت که می‌توان به پشتیبانی بنی مرین در مراکش از ایشان، کوهستانی بودن و داشتن دژهای طبیعی غرناطه در برابر تعرضات مسیحیان، مفید بودن علم و فرهنگ و صنعت مسلمانان غرناطه برای مسیحیان اشاره کرد. هم چنین همسایگی دولت مسلمان غرناطه برای مسیحیان، بهتر از هم‌جواری با اتباع ناراضی مسیحی بود. (وات، ۱۷۵-۱۷۷)

با وجود تسلط مسیحیان بر نواحی مختلف اندلس و رانده شدن بسیاری از علما و دانشمندان مسلمان به سوی مراکش و سرزمین‌های شرق (پالنسیا، ص ۲۴)، دستاورد علمی و فرهنگی این دوره از تاریخ اندلس، بسیار قابل توجه بود.

دانش پزشکی در این دوره از تاریخ اندلس، جایگاه ممتازی دارد و در برخی از علوم وابسته به پزشکی مانند داروشناسی، پزشکی تخصصی، جراحی دارای اهمیت است و چندین کتاب نفیس پزشکی در این دوره نوشته شد و دهها پزشک عمومی همچون: ابوالعباس احمد بن محمد بن عبدالملک (د. ۶۵۰ هـ.ق) ابو جعفر احمد بن محمد ال کُرَنی «شیخ الاطباء غرناطه» (د. ۶۵۰ هـ.ق)، الرقوطی، ابن عروس، ابوعبدالله محمد بن سالم بن سراج، ابوعبدالله محمد بن محمد بن میمون الخزرجی (د. ۷۰۹ هـ.ق)، ابن الرقام محمد بن ابراهیم الاوسی (د. ۷۱۵ هـ.ق)، ابوموسی عیسی بن محمد بن سعاده الاموی (د. ۷۲۸ هـ.ق)، ابوتمام غالب بن علی بن محمد اللخمی الشقوری (د. ۷۴۱ هـ.ق)، ابوزکریا یحیی بن احمد بن هذیل التجیبی (مت. ۷۵۳ ق)، ابوعبدالله محمد بن یوسف بن خلصون، حسن بن یوسف الانصاری (مت. ۷۶۶ هـ.ق) بن مُهَنَّا درخشیدند (ابن خطیب، ۲۸۴/۱-۲۸۶/۱؛ ۳۹۰/۱-۳۹۱/۱؛ المقری، ۲۸۱/۲-۲۸۲).

پیشینه‌ی پزشکی در غرناطه‌ی اسلامی

غرناطه‌ی اسلامی، وارث دهها تألیف و نوشته‌ی پزشکی مسلمانان قبل از خود بود و شایستگی خود را در حفظ این میراث علمی نشان داد و در تمامی رشته‌های پزشکی پیشرفت‌های جدیدی نمود. برخی رشته‌های پزشکی که از قرن چهارم و پنجم هـ ق به بعد کمتر به آن توجه شده بود در این دوره به آن پرداخته شد و در پزشکی تخصصی، جراحی پزشکی و پرداختن به بیماری‌های داخلی و واگیر و نوشتن مقاله‌های تخصصی، این دوره از سایر دوره‌های تاریخ پزشکی اندلس ممتاز گردید. پزشکی همچون سایر علوم در جامع اعظم غرناطه و دیگر مدارس آن تدریس می‌شد که در این مورد لسان الدین بن الخطیب می‌نویسد: «آلفونسوی دهم پادشاه قشتاله ملقب به حکیم در ۶۶۵ هـ ق بعد از چیره شدن بر مُرسیه، مدرسه‌ای در آن ساخت و تولیت آن را به ابوبکر محمدبن احمد الرقوطی المرسی که از پزشکان نامدار این دوران بوده است واگذار نمود. الرقوطی اکثر زبان‌های آن زمان را می‌دانست و با طلاب و دانشجویان به زبان خودشان سخن می‌گفت در این مدرسه تعداد زیادی دانشجوی مسیحی و یهودی، تلمذ می‌کردند. الرقوطی بعدها به غرناطه بازگشت و به خدمت محمدبن یوسف النصری ملقب به الفقیه (حک: ۶۷۱-۷۰۱ هـ ق) درآمد که در دربار وی، تعداد زیادی از دانشمندان و پزشکان گرد آمده بودند». (ابن الخطیب، ۶۷/۳-۶۸؛ پالنسیا، ص ۴۵۷).

آثار پزشکی

الف) محمدبن ابراهیم بن روبیل الانصاری (د. ۷۳۰ هـ ق) از نخستین پزشکان داروشناس این دوره است که در ادبیات و تفسیر قرآن کریم نیز مجرب بود. وی از داروشناسان طلیطله بوده که در غرناطه حیات علمی خود را گذرانده و به دلیل مجرب بودن در دانش داروشناسی به دربار بنی‌نصر راه یافته و در آنجا از امکانات علمی و کتابخانه‌ی غرناطه (کتابخانه دارالاماره) استفاده کرده است. وی اطلاعات کامل پیرامون گیاهان دارویی داشته و علوم داروشناسی را نزد ابوعبدالله الرقوطی المرسی و ابوجفر الکرّنی گذرانده و از آثار وی در این زمینه، السّر المداع فی تفضیل غرناطه علی کثیر من البقاع است. (ابن خطیب، ۱۶۰-۱۶۲).

ب) محمدبن علی بن فرج القربلیانی ملقب به الشفره (د. ۷۶۱ هـ.ق) از داروشناسان و جراحان دیگر این دوره است که صاحب تألیفی گرانبها نیز می‌باشد. او را مردی سلیم النفس ذکر کرده‌اند و تا آخر عمر به طبابت مشغول بوده است وی محقق جامع در انواع گیاهان دارویی و ترکیبات آنها بوده و برای این کار، در مزارع و بیابان‌ها و کوه‌های اندلس، گیاهان دارویی را مورد تحقیق و شناسایی قرار داده است و حتی باغی خصوصی برای پرورش گیاهان دارویی ساخته بود. او یکی از سلاطین بنی نصر را که بیماری سختی داشته درمان نمود و مدتی از اندلس به مراکش سفر کرد و در آنجا مقیم شد و در ۷۶۱ هـ.ق به غرناطه بازگشته و در همان سال درگذشته است. از استادان و شیوخ وی ابن سراج و ابو عبدالله محمدبن ابراهیم است. قربلیانی در داروشناسی کتابی به نام النبات داشته است که در دسترس نیست، اما کتاب مشهور دیگر وی که در دانش جراحی بسیار با اهمیت می‌باشد، الاستقصاء و الابرام فی علاج الجراحات و الاورام است. این کتاب در فن جراحی و شکسته بندی است که دو نسخه‌ی خطی از آن در خزانه الحسینیه رباط و دیگری در جامع القرویین فاس موجود می‌باشد. (ابن خطیب، ۲/۴۷۸-۴۷۹؛ عنان، ص ۳۱۹-نجیب، ص ۱۵۳).

کتاب مزبور دارای سه مقاله است که مقاله‌ی اول در مورد ورم‌ها، مقاله دوم در جراحات و شکسته‌بندی و مقاله‌ی سوم در داروهای مفرده و مرکب است. در مقاله‌ی اول علت ورم را جدا شدن محل ورم از اتصال به بدن و دومین عامل را ضعف مزاجی در عضو می‌داند. ورم‌ها را به دو قسم گرم و سرد و نوع گرم آن را به دو بخش خونی و صفاوی تقسیم می‌نماید. قربلیانی توضیح مفصل پیرامون ورم‌ها داده و انواع آن را که در کدام عضو و به چه شکل و علتی عارض می‌شود و همچنین راه علاج آن را توصیه می‌نماید. او تعداد دمل‌ها و ورم‌ها را ۳۶ مورد و سبب رویش این دمل‌ها را داخلی یا خارجی می‌داند. در بعضی از موارد به فصد و شکافتن ورم اشاره دارد و در بعضی از موارد دارویی را برای از بین بردن آن پیشنهاد می‌نماید. قربلیانی بعد از ابن زهر (د. ۵۵۸ هـ.ق) و زهراوی (۳۲۴-۴۰۴ هـ.ق)، سومین پزشک و جراح اندلس است که پیرامون دانش جراحی به بحث پرداخته است. او برای جراحی، بدن‌ها را به بدن‌های با طبع گرم و خشک مثل بدن کشاورزان، خادمان، آهن‌گران، بناها، کارگران و بدن‌های تر و مزاج مرطوب، مثل بدن کودکان و زنان و رئیسان و کسانی که با آب شیرین استحمام

می‌کنند تقسیم می‌کند و حکم جراحی را برای هر یک از این دو گروه متفاوت می‌شمارد. نظریه‌ی وی در مورد جراحی‌های گوناگون بدن چنین است که بعضی موارد در هنگام جراحی، گوشت به تنهایی جدا می‌شود و در مورد دیگر به همراه گوشت، استخوان و عصب را بایستی در نظر داشت. سپس انواع جراحی‌ها را برمی‌شمارد: جراحی خراش، جراحی شکاف برداشته شده، جراحی که تمام بدن را فرا گرفته، جراحی استخوان خرد شده و قطع نشده، جراحی که استخوان جدا شده از زیر پوست خارج شده است. او به جراحی‌های سر و صورت و سینه و اطراف آن، روی شکم، روی ساعد، ساق پاها به دقت اشاره و راه درمان را ذکر کرده و در باب خارج کردن تیر و انواع آن و *شکستیه‌یا صنعه الجبر* و روش درمان آن به تفصیل پرداخته است. در مقاله‌ی سوم در مورد ذکر داروهای لازم برای بیمار مطالبی را عنوان کرده و در این قسمت، ادویه‌ی مفرده و ادویه مرکبه‌ی گیاهی، حیوانی، معدنی را نام برده و روش استفاده از آنها را به صورت‌های مختلف بیان داشته است و در بخش داروهای مرکبه روش ترکیب داروها را به دقت بازگو کرده و همچنین انواع مرهم‌های لازم را که می‌توان آن را از داروهای مرکب ساخت ذکر کرده و در ادامه، کاربرد مرهم را برای انواع جراحی برشمرده است. (خطابی، ۱۳۵/۱ - ۱۵۰)

ج) ابوالقاسم محمدبن یحیی العزفی (د. ۷۶۸ هـ.ق) که در داروشناسی از مهارت‌های زیادی برخوردار بوده است، وی در کنار امور سیاسی که بدان مشغول بود، به پزشکی روی آورده و کتاب هم تحت عنوان *الاكتفاء فی طب الشفاء* نوشته است. کتاب وی خلاصه‌ای از *الجامع المفردات الادویه* و *الاغذیه ابن بیطار* است که بر حسب حروف الفبا تنظیم کرده است. (ابن خطیب، ۱۱/۳ - ۱۲)

د) ابوجعفر احمدبن علی بن خاتمه الانصاری، معروف به ابن خاتمه (د. ۷۷۰ هـ.ق)، پزشک دیگر غرناطی است که کتابی در مورد بیماری وبا و طاعون به نام *تحصیل غرض القاصد فی تفصیل المرض الوافد* نوشت. در نیمه‌ی دوم قرن هشتم هـ.ق در سواحل مدیترانه، تعداد زیادی از مردم به وبا و طاعون مبتلا شدند که شاید انتشار این کتاب، در آموزش مردم برای پیشگیری نسبت به این بیماری‌ها مؤثر بوده است. ابن خاتمه در مورد طاعون می‌نویسد: نتیجه‌ی تجربیات سالیان دراز من نشان می‌دهد که وقتی شخصی در تماس با بیمار طاعونی قرار گیرد، فوری دچار همان

بیماری می‌شود به طوری که اگر بیمار اول خون قی نماید دومی هم چنان خواهد بود. (ابن خطیب، ۲۴۴/۱-۲۳۹؛ مرحبا، ص ۳۵۹-۳۵۸؛ هونکه، ص ۱۳۰)

ابن خاتمه برای نوشتن کتاب خود با تعداد زیادی از کسانی که از منطقه‌ی وبا و طاعون زده آمده بودند، صحبت کرد و از مطالبی که شاهدان مطرح کردند، نقطه نظرها و دیدگاه‌های خود را نوشته است. کتاب به ده بخش می‌شود: در حقیقت طاعون، علت طاعون، واگیر بودن آن، جلوگیری از آن، چگونگی درمان، رد شرع مقدس اسلامی پیرامون آن چه آمده است، پیرامون حدیث نبوی در پیشگیری از ورود طاعون و راه‌های دفع آن از شهر و دیار، چگونگی استفاده از احادیث و جمع بین آنها. در بخش اول، پیرامون معنای لغوی طاعون و مفهوم آن، دیدگاه بزرگان دانش پزشکی و... در مورد این بیماری، واگیر بودن آن مواردی را بیان کرده و در ادامه می‌افزاید که این بیماری از هر سرزمینی ممکن است وارد شود و در هر وقت سال ممکن است شیوع پیدا کند اما کیفیت انتشار آن فرق می‌کند. وی علت شیوع آن را نوعی بخار متعفن دانسته که از هوای آلوده به هوای پاک سرایت کرده و از طریق تنفس صورت می‌پذیرد. آلودگی به سبب کشتی‌ها و فضای چاه‌های آب (آب انبارها) مرگ حیوانات و هوا و بوی متضاد از آن از جمله ماهیان مسموم‌شده روی آب و کلاً از طریق هوای آلوده به سواحل می‌رسد. در مورد وبا، علت آن را نامعلوم ذکر کرده است و آن را از غضب خداوند می‌داند و می‌گوید که برای پزشک مجالی نیست که آن را درمان نماید. در قسمت بعد چگونگی انتقال آن را از مردمی به مردم دیگر ذکر کرده و متذکر می‌شود که بستگی به وضعیت محیطی شهرها دارد که از دریا دورند یا از شهرهای ساحلی محسوب می‌شوند. همچنین خوراک و غذاهای مردم را در شیوع این بیماری مؤثر دانسته است. او سپس مناطق کوهستانی، سواحل دریا، هوای خشک و گرم، سردسیر، معتدل را برای انتشار این بیماری متفاوت می‌داند. بخش مربوط به طاعون به شهر مریه در اندلس پرداخته و این‌که چگونه در این شهر شیوع پیدا کرده است. وی بدترین نوع طاعون را خونریزی از طریق دهان ذکر کرده و آن را بدون درمان دانسته است. قسمت پایانی این کتاب، تبصره و تذکری در مورد دیدگاه‌های بزرگانی همچون ابن الجوزی، ابن قتیبه، ابن حیان قرطبی وارد و همچنین به طاعون‌های مناطق مختلف مثل قرطبه، بصره و سال وقوع آن و برخی تلفات آن اشاره کرده است. (خطابی، ۱۵۳/۲-۱۸۶).

هـ) **لسان الدین بن خطیب (د. ۷۱۶ هـ.ق)** از دانشمندان، سیاستمداران و پزشکان بنام اندلس که در بخشی از دوران حکومت بنی‌نصر، نقش مهمی داشته است. شهرتش به سبب ادب و سیاست، در غرناطه است اما در پزشکی هم سرآمد بوده است و بسیاری از نویسندگان نامی همچون **مقّری صاحب نفع الطیب وی** را ستوده‌اند. (مقّری، ۲۸۲/۷-۲۸۱) ابن خطیب می‌گوید که پزشکی و آموزش‌های مربوط به آن را از ابوزکریا ابن هذیل فرا گرفته و تا آخر عمر از ملازمان وی بوده است. (رک: سعیدونی، ص ۱۸۲-۱۶۵)

ابن خطیب از استاد خود ابن هذیل بسیار با احترام یاد کرده و به جز وی کسی را برای خود به عنوان استاد در علوم و فنون و دانش پزشکی یاد نکرده است. وی آثار گوناگونی در پزشکی شامل داروشناسی، پزشکی تخصصی و دامپزشکی دارد که **مقّری** و خود وی برخی از آنها را نام برده **لعمت: بل من لمّطّب حَبّ**، رساله الطاعون که در آن به روشنی به واگیر بودن آن اشاره دارد و از موارد انتقال آن را لمس بیمار می‌داند (هونکه، ص ۱۲۹)، **مقنعه السائل عن المرض الهایل، المسایل الطبیّه، الرجز فی عمل التریاق**، رساله تکوین الجنین، رجز فی الطب، رجز فی الاغذیه، کتاب فی البیطره و اخر فی البیزه (پیرامون دامپزشکی) و کتاب الوصول لحفظ الصحه. (رک: EI, ۷۳, P۸۳۵, ۸۳۶)

از میان ده کتاب طبی لسان الدین خطیب، مهم‌ترین آن کتاب الوصول لحفظ الصحه است این کتاب را در ۷۱۱ هـ.ق - پنج سال پیش از مرگ خود- تمام کرده و آن را به امیر غرناطه هدیه داده است. کتاب الوصول مجموعه‌ای از معارف پزشکی و تجربه‌های آن و حفظ سلامت، غذاها، شناخت بیماری‌ها و راه‌های جلوگیری از آن است که به اختصار توضیح دهد. قسمت اول آن طب نظری و تعریف امور پزشکی است و جزو دوم طب عملی است. موضوعات جزء اول در مورد اعتدال و طبایع فصول و تأثیر آن در بدن انسان، مزاج‌ها، اخلاط، اعضا و نیروهای بدن و عملکرد آن‌ها و همچنین امور ضروری برای انسان مثل هوا، خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها، منافع حمام و ضررهای آن، خواب و بیداری و حقیقت آن، ورزش و انواع آن برای انسان و دقت و زمان انجام آن را توضیح می‌دهد.

در قسمت دوم به حالات مزاج و تدبیر انسان در فصول چهارگانه برای حفظ سلامت خود، تربیت و پرورش کودک تا حرکت کردن و راه رفتن او، اصلاح اخلاق کودک، دستورهای لازم برای دوران پیری، دستورهای لازم برای مسافران در خشکی و دریا از

جهت غذا و آب که چگونه برای دوری از بیماری مصرف نمایند، اشاره می‌نماید. وی برای آثار غذا در بدن انسان و روش استفاده از آن اشاره می‌کند که بعضی غذاها بایستی طبخ کامل گردد که هضم آن سریع صورت گیرد، بعضی غذاها سرخ کردنی، بریان کردنی، آب پز باید باشد. حتی برای ظرف غذاها، بهترین ظروف را نقره و طلا در صورتی که تهیه آن مقدور باشد- ذکر کرده است سپس در مورد انواع آب‌ها توضیحاتی می‌دهد و آن‌ها را در یک تقسیم کلی به آب چشمه، آب باران و آب رودخانه تقسیم و منافع و مضار آن را ذکر کرده است. وی در بخشی دیگر پیرامون اهمیت حمام و خواب و بیداری در حفظ بهداشت بدن به طور کامل بحث کرده است.

در باب طب عملی که در پایان کتاب خود آن را مورد بررسی قرار داده مواردی همچون، پرورش کودک، حالات او و چگونگی رشد او، مراقبت‌های لازم برای جسم و روان او نکته‌هایی را توضیح می‌دهد. در مورد چگونگی شیر دادن نوزاد، شیر خوارگی نوزادان، اخلاق و تربیت دوران کودکی بحث مختصری می‌کند، در آخرین قسمت، پیرامون دوران پیری و نکته‌های مهم برای مسافران دریایی که در طول سفر حفظ بهداشت و تندرستی از مراعات نمایند مطالبی را ذکر کرده است. (خطابی، ۱۹۱/۲ - ۲۳۸) لسان الدین خطیب چون ادیبی توانا بوده و شیوه‌ی نگارش کتاب وی در سطح عالی ادبی است.

(و) ابو عبدالله الشقوری اللخمی (د. قرن ۸ هـ.ق) از آخرین پزشکان دوره‌ی بنی‌نصر در غرناطه اسقی منتسب به شهر شقوره در شمال غرب مرسیه است و در اواخر قرن هشتم درگذشته است. پزشکی را از ابوتامم غالب بن علی الشقوری و خالد بن خالد آموخت. او در دوران جوانی به دنبال دانش پزشکی رفته و در شهر غرناطه به شهرت رسید و به دربار غرناطه راه یافت. از وی اثری به نام تحفه المتوسل و راحه المتامل باقی مانده است که در آن به بیماری‌های داخلی و تشریح آنها پرداخته است. (ابن خطیب، ۱۷۷/۳ - ۱۷۹ هیکل، ص ۲۱۹)

کتاب تحفه المتوسل سه جزو دارد. جزو اول آن در مورد معده و منافع آن است. شقوری معده را توصیف می‌کند که شکلی دایره‌ای و مُرکّب از عصب و گوشت و رگ‌ها و شریان‌ات مختلف است و مانند ظرفی است که سر آن مایل به راست و پایین آن مایل به چپ است. دارای دو طبقه‌ی داخلی و خارجی است و در ابتدای طبقه‌ای داخلی

جذب صورت می‌گیرد و بعد از آن در انتها دفع صورت می‌گیرد. سپس در مورد مری می‌گوید که از انتهای دهان شروع می‌شود و سپس به ساختمان آن می‌پردازد. او در مورد معده می‌گوید که با حرارت گوشت خود، غذا را هضم می‌کند و سپس در فصول بعد به مزاج‌های مختلف معده اشاره دارد و وارد شدن غذا در معده را توصیف می‌کند که چگونه هضم می‌شود. وی اشتهای انسان را به اشتهای کاذب و اشتهای صادق تقسیم و برای بهداشت جسم توصیه کرده که در شبانه روز چندبار به صورت منظم بایستی غذا مصرف کرد و اختلاف غذاها و کیفیت آن را در نوع درست کردن و طبع مواد غذایی آن دانسته و در میان غذاها گوشت و شیر و گندم را بسیار مفید می‌داند. وی در ادامه می‌افزاید در صورتی که غذایی خوب هضم نشود سبب بیماری می‌شود و برای استفاده از غذاها و خوب هضم نمودن آن بایستی به شیوه‌ی استفاده‌ی از غذا و کیفیت آن توجه کرد. (خطابی، ۲۴۵/۲-۲۸۴)

در مورد آب‌ها و احکام خوردن آن اظهار می‌دارد که آبها به سبب محل‌های مختلف انواع مختلف دارد ولی در مجموع سالم‌ترین آب، آب باران است. در جزو دوم پیرامون بیماری اسهال و انواع آن مطالبی را ذکر کرده است. او ابتدا اسهال را تعریف و اثرهای منفی آن را بر شمرده و سپس در مورد علت دوام اسهال مواردی را مطرح کرده است. وی منشای بروز اسهال را معده، کبد، مقعد و امعاء و احشای بدن، می‌داند و سپس راه‌های درمان آن را بازگو کرده است. در قسمت آخر جزو دوم در مورد خونریزی معده سخن گفته و در جزو سوم که بسیار کوتاه است توصیه‌هایی برای دوران پیری مطرح کرده است. وی در چندین جا از توضیحات خود پیرامون بیماری‌ها، از ابوبکر زکریای رازی پزشک نامور ایرانی نقل قول می‌نماید (همو، همان جا)

از پزشکان دیگر غرناطه که تألیفات ایشان در درجه‌ی دوم حایز اهمیت قرار دارد، می‌توان به: ابن الرقام محمدبن ابراهیم الاوسی (د. ۷۱۵ هـ.ق)، مولف کتاب الحیوان و الخواص (ابن الخطیب، ۱۹۴/۳ و ۶۹/۳-۷۰)، ابوموسی عیسی بن محمدبن سعاده الاموی (د. ۷۲۸ هـ.ق) که کتابی به نام القفل و المفتاح فی علاج الجسوم و الارواح داشته است که ابن الخطیب اجزایی از آن را دیده است. (ابن خطیب، ۲۳۵/۴-۲۳۶)، ابوزکریا یحیی بن احمدبن هذیل التجیبی (د. ۷۵۳ هـ.ق)، که کتاب‌های وی، الاختیار و الاعتبار فی الطب و کتاب التذکره فی الطب (کحاله، ص ۸۹؛ ابن خطیب، ۳۹۰/۱-۳۹۱)، ابوعبدالله محمدبن یوسف

بن خلیصون الکهنکیتابو حفظ الصحه به وی منسوب و احمدبن مَهَنَّا که کتابی به نام الایضاح و التتمیم در شرح ارجوزه فی الطب ابوعلی سینا نوشت. (مقری، ۲۸۱/۲ - ۲۸۲؛ نجیب، ص ۱۶۳؛ هیکل، ص ۲۴۷).

نتیجه

پزشکان مسلمان اندلس، در دوران گوناگون تاریخ این سرزمین، به پیشرفت‌های چشم‌گیری دست یافتند که دستاوردهای مهمی را در برداشت. کتاب‌هایی در پزشکی نوشته شد، آثاری از شرق جهان اسلام مورد بررسی صاحب‌نظران پزشکی قرار گرفت، برخی از مطالب آن تأیید و برخی مورد انتقاد قرار گرفت. در این میان، غرناطه‌ی اسلامی، که آخرین بازماندگان مسلمان را در خود جای داده بود، میراث پنج قرن گذشته‌ی خود در علوم گوناگون به ویژه دانش پزشکی را به خوبی حفظ کرد و رونق علمی آن را شتاب بخشید و علمی از پزشکی همراه با تألیفات در این زمینه به صورت تخصصی در این دوره مطرح گردید که پیش از آن در اندلس سابقه‌ی چندانی نداشت. تألیفات پیرامون طب عملی و تئوری، بیماری‌های وبا و طاعون، بیماری‌های داخلی، طرح وظایف بهداشتی و درمانی دوران شیرخوارگی تا زمان پیری و کهنسالی، داروشناسی، داروسازی، جراحی و همچنین کتاب‌های خطی باقی مانده از این دوران به امتیازات پزشکی در غرناطه افزود و غرناطه با این آثا نوشته شده، در تاریخ طب اندلس اسلامی ماندگار شد.

فهرست منابع و مآخذ

۱. ابن خطیب، لسان الدین محمد، الاحاطه فی اخبار غرناطه، تحقیق عبدالله عنان، مکتبه خانجی قاهره، ۲۰۰۱م/ ۱۴۲۱ق.
۲. بروکلمان، کارل، تاریخ الادب العربی، ترجمه عبدالحلیم نجار، دارالمعارف قاهره، بی‌تا.
۳. پالنسیا، آنجل گونزالس: تاریخ الفکر الاندلسی، ترجمه حسین مونس، مکتبه الثقافه الدینییه، بی‌تا.
۴. خطابی، محمد العربی: الطب و الاطباء فی الاندلس الاسلامیه، دارالغرب الاسلامی، بیروت ۱۹۸۸م.
۵. سعیدونی، ناصرالدین: من التراث التاریخی و الجغرافی للغرب الاسلامی، دارالغرب، ۱۹۹۹م.
۶. عنان، محمد عبدالله: تراجم اسلامیه شرقیه و اندلسیه، مکتبه الخانجی، قاهره ۱۹۷۰م/ ۱۳۹۰ق.
۷. کحاله، عمررضا: العلوم العملیه عند العرب فی العصور الاسلامیه، مطبعه التعاونیه دمشق ۱۳۹۲ق.
۸. مرحبا، محمد عبدالرحمن: الموجز فی تاریخ العلوم عند العرب، دارالکتب اللبنانیه، بیروت ۱۹۸۱م.
۹. مقری، احمدبن محمد: نفع الطیب من غصن الاندلس الرطیب... تحقیق احسان عباس دار صادر بیروت ۱۹۸۸م/ ۱۴۰۸.
۱۰. نجیب، عبدالرحمن حکمت: دراسات فی تاریخ العلوم عند العرب، وزاره التعلیم، موصل، ۱۹۷۷م.
۱۱. وات، مونتهگومری: تأثیر اسلام در اروپا، ترجمه یعقوب آژند، انتشارات مولی، تهران ۱۳۶۱ش.
۱۲. هونکه، زیگرید، فرهنگ اسلام در اروپا، ترجمه مرتضی رهبانی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰ش.
۱۳. هیکل، نعمه الله، الیاس ملیحه: موسوعه علماء الطب مع اعتناء خاص بالاطباء العرب، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۹۹۱م/ ۱۴۱۱هـ.

۱۴- Encyclopaedia of Islam, Vol۳. ۱۹۶۰